

از: خزائن الاحکام که شرح تلخیص المرام علامه حلی است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۲، ج ۷، ص ۱۵۲-۱۵۳، ج ۱۳، ص ۳۷۷)، تلخیص هدایة الناسکین من الحجاج و المعتمرین تألیف محمدحسن نجفی و ترجمه آن به فارسی به درخواست مؤلف (همان، ج ۲۵، ص ۱۹۸، ج ۴، ص ۱۴۶)، غصون الایکة الغرویه فی الاصول الفقهیه (همان، ج ۱۶، ص ۵۸)، شرح مبحث وصیت شرایع الاسلام محقق حلی (همان، ج ۱۳، ص ۳۲۶)، رساله عملیه با عنوان التبدیه من الاحکام الشرعیة، از باب طهارت تا آخر نماز جماعت (همان، ج ۱۱، ص ۲۱۶، ج ۲۴، ص ۳۷)، الفوائد الرجالیة که در باره علم حدیث و رجال است (همان، ج ۱۶، ص ۳۳۸) و محمدباقر تستری بر آن حاشیه نوشته است (آقابزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، ش، ستون ۸۹-۹۰)، کلیل الهدایة فی علم الدرایة (همو، ۱۴۰۳، ج ۱۲، ص ۱۳۵)، حساب العقود در شرح حدیث ایمان حضرت ابوظالب (همان، ج ۷، ص ۱۱)، شرح و حاشیه بر التعلیقة البهبهانیة اثر وحید بهبهانی (متوفی ۱۲۰۶؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، ش، ستون ۸۷؛ همو، ۱۴۰۳، ج ۶، ص ۳۹، ج ۱۲، ص ۱۳۵)، و حاشیه بر منتهی المقال ابوعلی حائری (متوفی ۱۲۱۶) در علم رجال (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۵۸؛ همو، ۱۳۳۷، ش، ستون ۳۲۰، ۳۹۴).

از برادران ملاعلی، میرزا حسین (تهرانی، ۳، حاج میرزا حسین خلیلی) از فقهای مشهور دوره مشروطه و میرزا حسن و میرزا محمد و میرزا باقر از پزشکان مشهور نجف بودند (آل محبوبه، ج ۲، ص ۲۳۲؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۴، جزء ۲، قسم ۲، ص ۵۰۸).

منابع: محمدحسن آقابزرگ تهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۳۸۳/۱۴۰۳ همو، طبقات اعلام الشیعة، جزء ۲، الکرام البیرة، مشهد ۱۴۰۴ همو، مصفی المقال فی مصنفی علم الرجال، چاپ احمد منزوی، تهران ۱۳۳۷ ش؛ جعفرین باقر آل محبوبه، ماضی النجف و حاضرها، بیروت ۱۳۸۶/۱۴۰۶ محمدحسن بن علی اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، در چهل سال تاریخ ایران، چاپ ایرج افشار، ج ۱، تهران: اساطیر ۱۳۶۳ ش؛ محمدهادی امینی، معجم رجال الفکر و الادب فی النجف خلال الف عام، نجف ۱۳۱۳/۱۹۹۲؛ محمدبن علی حرزالدین، معارف الرجال فی تراجم العلماء و الادباء، قم ۱۴۰۵؛ عباس قمی، فوائد الرضویة: زندگانی علمای مذهب شیعه، تهران [۱۳۳۷ ش]؛ حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم ۱۴۰۸-۱۴۰۷.

/ فریده سعیدی /

تهرانی، حاج میرزا حسین خلیلی، فقیه و مرجع تقلید امامی قرن سیزدهم و چهاردهم و از رهبران روحانی

توسیرکائی و سعیدالعلماء مازندرانی، علم رجال را نزد محمدجعفر استرآبادی، و ریاضیات را نزد شیخ اسماعیل بروجرودی و ابوتراب همدانی و محمدتقی خراسانی فراگرفت. در فقه از محضر صاحب فصول و شیخ علی کاشف الغطاء و محمدحسن نجفی (صاحب جواهر) بهره برد. همچنین حکمت را نزد ملا اسماعیل اردکانی و ملاکریم کرمانی و ملا عبدالعظیم تهرانی آموخت (امینی، ج ۲، ص ۵۱۷؛ حرزالدین، ج ۲، ص ۱۰۳-۱۰۴؛ آل محبوبه، ج ۲، ص ۲۴۰-۲۴۱؛ نیز - آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۳، ص ۳۲۲، ۳۲۵).

تهرانی از علمایی چون صاحب جواهر، ملا احمد نراقی و سیدجواد حسینی عاملی اجازه روایت داشت و برادرش (میرزا حسین) و شیخ محمدحسن مامقانی و سیدحسن صدر و میرزا حسین نوری (صاحب مستدرک) از او اجازه روایت داشتند (حرزالدین، ج ۲، ص ۱۰۵؛ آل محبوبه، ج ۲، ص ۲۴۱؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، ش، ستون ۳۱۹). شاگردان متعددی در محضر او تربیت شدند، از جمله ملا محمدباقر تستری، شیخ علی بن حسین خاقانی، و عبدالحسین حرزالدین (حرزالدین، همانجا؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۳۳۷، ش، ستون ۳۱۷، برای دیگر شاگردان - آقابزرگ تهرانی، همان، ستون ۲۰۷، ۳۱۴، ۳۲۲، ۳۲۷). مقام علمی تهرانی را ستودهند تا جایی که یکی از فقهای مشهور، پس از وفات شیخ انصاری، او را اعلم می دانست (- اعتمادالسلطنه، ج ۱، ص ۲۰۰). مؤلف مستدرک الوسائل (ج ۳، ص ۴۰۱) او را «فخر شیعه» و «ذخیره شریعت» خوانده و آقابزرگ تهرانی (۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۵۸) او را شیخ المشایخ اجازه متأخران نامیده است.

تهرانی دارای مجالس وعظ و اندرز بود و هفته ای دو روز در صحن امیرالمؤمنین علیه السلام به منبر می رفت و در باب مواعظ اخلاقی و فضائل اهل بیت علیهم السلام سخن می گفت (حرزالدین، ج ۲، ص ۱۰۳؛ آل محبوبه، ج ۲، ص ۲۴۰). در منابع، درباره تقوا و زهد او ماجراهایی نقل شده و از تواضع و حسن اخلاق او یاد شده (آل محبوبه، ج ۲، ص ۲۳۹-۲۴۰؛ قمی، ص ۲۹۶) و درباره تقید وی به زیارت امام حسین علیه السلام و کرامات او مطالبی آمده است (- نوری، ج ۳، ص ۴۰۲؛ قمی، ج ۱، ص ۲۹۴-۲۹۶). تهرانی با علوم غریبه نیز آشنا بود، به تاریخ و اخبار پیشینیان احاطه داشت، حافظ قرآن و بسیاری از دعاها بود و تورات و انجیل را از حفظ می خواند و به زبان عبری نیز آشنا بود. از جمله کارهای او تعمیر آرامگاه میثم تمار بود (آل محبوبه، ج ۲، ص ۲۴۰، ۲۴۲). وی در صفر ۱۲۹۷ در نجف وفات یافت. در سوک او مجالس متعددی برگزار و در رثایش اشعار بسیاری سروده شد (همان، ج ۲، ص ۲۴۲-۲۴۳؛ حرزالدین، ج ۲، ص ۱۰۶).

آثار مهم تهرانی، که بیشتر در فقه و حدیث است، عبارت اند

پیامها و ارشادهای خود، سهم مهمی در پیروزی نهضت مشروطه داشتند. هدف آنان از این حمایت، که آن را از عمده‌ترین عوامل پیروزی مشروطه دانسته‌اند، حفظ مذهب اسلام و از میان برداشتن حکومت استبداد و کوتاه کردن دست متجاوزان خارجی بود (حائری، ص ۱۲۳-۱۲۴، ۱۳۳-۱۳۴). پس از پیروزی نهضت مشروطه و تأسیس مجلس شورا، قانون اساسی برای تصویب نزد این سه تن فرستاده شد و آنان نیز آن را تنفیذ کردند (نجفی قوجانی، ص ۳۶۶) و پس از آن نیز با ارسال نامه‌ها و تلگرامهای پی‌درپی، بدتقویت مجلس مبادرت نمودند (فضل‌الله نوری، ج ۲، ص ۱۱۱-۱۱۲، ۱۲۶-۱۲۷، ۱۴۸ و جاهای دیگر).

پس از به توپ بسته شدن مجلس اول در ۱۳۲۶، تهرانی و دیگر علمای ایرانی مقیم عراق، بر شدت مبارزه خود با حکومت استبدادی و پشتیبانی از مشروطه‌خواهان افزودند. تهرانی و خراسانی و مازندرانی طردنمودن محمدعلی شاه را از «اوجب واجبات»، دادن مالیات به گماشتگان او را از «اعظم محرمات» و کوشش در راه استقرار مشروطه را به منزله جهاد در رکاب امام زمان دانستند (ناظم‌الاسلام کرمانی، بخش ۲، ج ۵، ص ۳۵۳؛ حائری، ص ۱۱۰). در زمان استبداد صغیر^۳، یکی از مدرسی که تهرانی در نجف بنا نهاده بود، محل گردهمایی ایرانیان شد (آل‌محبوبه، ج ۱، ص ۱۳۵؛ آقابزرگ‌طهرانی، ۱۴۰۴، جزء ۱، قسم ۲، ص ۵۷۵). گفته‌اند که پس از بروز پاره‌ای انحرافات در نهضت مشروطه، تهرانی از حمایت آن اظهار پشیمانی می‌کرد (حرزالدین، ج ۱، ص ۲۷۷-۲۷۹).

تهرانی فردی متقی و به قرائت ادعیه و زیارات مداومت و مراقبت داشت. بیشتر اوقات خود را در مسجد کوفه و سَهله به عبادت می‌گذراند و پیاده به زیارت کربلا می‌رفت. خوش‌اخلاق و خوش‌سخن و بسیار رؤوف بود. وی آثار متعددی از خود بر جای گذاشت، از جمله یک باب زایرسرا که آن را وقف نمود، دو مدرسه علمیه و قناتی در نجف (آل‌محبوبه، ج ۲، ص ۲۲۶-۲۲۸؛ آقابزرگ‌طهرانی، ۱۴۰۴، جزء ۱، قسم ۲، ص ۵۷۵-۵۷۷). تهرانی در شوال ۱۳۲۶ در مسجد سهله وفات یافت و پیکرش تا نجف تشییع و در آنجا، کنار مدرسه‌ای که بنا نهاده بود، دفن شد. در ایران و هند و عراق برای او مراسم سوگواری برگزار کردند و بازار تهران چند روز تعطیل شد. شعرای بسیاری در رثای وی شعر سروده‌اند (ناظم‌الاسلام کرمانی، بخش ۲، ج ۴، ص ۲۳۸-۲۳۹؛ آل‌محبوبه، ج ۲، ص ۲۲۸-۲۲۹؛ آقابزرگ‌طهرانی، ۱۴۰۴، جزء ۱، قسم ۲، ص ۵۷۶). پس از وفات تهرانی، شایع شد که وی با زهر مسموم شده است و حتی او را «ذبیح اعظم» و «شهید اکبر» خواندند (ناظم‌الاسلام کرمانی، بخش ۲، ج ۴، ص ۲۴۶؛ حبیب‌آبادی، ج ۳، ص ۸۹۸).

نهضت مشروطه ایران. وی در ۱۲۳۰ در نجف متولد شد (آقابزرگ‌طهرانی، ۱۴۰۴، جزء ۱، قسم ۲، ص ۵۷۳). ابتدا نزد پدرش حاج میرزا خلیل، و برادرش حاج ملاعلی (تهرانی^۴، حاج ملاعلی)، درس خواند و پس از اتمام مرحله سطح، در محضر محمدحسن نجفی (صاحب جواهر، متوفی ۱۲۶۶) و بعد از وفات او در محضر شیخ انصاری (متوفی ۱۲۸۱) تحصیل کرد و از آنان و برخی دیگر از علما، از جمله مولی زین‌العابدین گلپایگانی، اجازه روایت گرفت (حرزالدین، ج ۱، ص ۲۷۹-۲۸۰؛ آل‌محبوبه، ج ۲، ص ۲۲۶-۲۲۷؛ آقابزرگ‌طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۸۳، ج ۱۹، ص ۶۰). سپس در نجف به تدریس فقه پرداخت. احاطه او بر فروع فقهی و تسلطش را در تدریس ستوده و گفته‌اند که از آرای بلند و قدرت بیان فوق‌العاده برخوردار بود (آل‌محبوبه، ج ۲، ص ۲۲۶؛ آقابزرگ‌طهرانی، ۱۴۰۴، جزء ۱، قسم ۲، ص ۵۷۴-۵۷۳).

وی پس از وفات شیخ محمدحسین کاظمی (۱۳۰۸)، یکی از مراجع تقلید شد و در پی رحلت میرزای شیرازی (۱۳۱۲)، از بزرگترین مراجع تقلید به‌شمار آمد و مقلدان فراوانی در ایران و هند و عراق و دیگر بلاد اسلامی یافت (حرزالدین، ج ۱، ص ۲۷۷؛ آقابزرگ‌طهرانی، ۱۴۰۴، جزء ۱، قسم ۲، ص ۵۷۴). در حلقه درس او فقهای نامداری شرکت می‌کردند. وی شاگردان فراوانی تربیت کرد که از آن جمله‌اند: آقاضیاء‌الدین عراقی، آقاسحسین نجم‌آبادی، سیدمیرزاآقا دولت‌آبادی، سیدمحمد لواسانی و شیخ مرتضی آشتیانی (برای اسامی دیگر شاگردان او - آقابزرگ‌طهرانی، ۱۴۰۴، همانجا؛ همو، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۹۹، ۴۱۴، ج ۶، ص ۱۷۰، ج ۱۰، ص ۴۵؛ حسن‌امین، ج ۱، ص ۵۲، ج ۶، ص ۱۸۲، ۵۷۴). آقابزرگ‌طهرانی (۱۴۰۴، همانجا)، میرزاعلی‌اکبر همدانی (آقابزرگ‌طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۷، ص ۲۳۲)، شیخ محمد طالقانی (حسینی، ج ۱، ص ۵۲۶) و شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء (حرزالدین، ج ۱، ص ۲۸۱؛ آقابزرگ‌طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۸۳) از او اجازه روایت گرفتند.

تهرانی به امور سیاسی و اجتماعی ایران حساس بود. وی در ۱۳۲۱، به دنبال اوضاع نابسامان اقتصادی و اجتماعی ایران و نارضایتی مردم از کارهای امین‌السلطان (صدراعظم وقت)، همراه با آخوند ملامحمدکاظم خراسانی (متوفی ۱۳۲۹) به علمای ایران نامه نوشت و ناخشنودی خود را از سیاستهای نادرست امین‌السلطان نشان داد و حتی گفته‌اند که او را تکفیر نمود. این اقدامات بسیار مؤثر بود و موجب عزل امین‌السلطان شد (کسروی، ص ۳۱-۳۲). با آغاز نهضت مشروطه، تهرانی همراه با آخوند خراسانی و ملاعبدالله مازندرانی (متوفی ۱۳۳۱) از آن حمایت نمود. این سه روحانی، که بعد از وفات میرزای شیرازی مرجعیت شیعیان را به‌عهده داشتند، با نامه‌ها و

بیروت ۱۴۰۸-۱۴۱۶/۱۹۸۷-۱۹۹۶؛ محسن امین، *اعیان الشیعة*، چاپ حسن امین، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ عبدالهادی حائری، *تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق*، تهران ۱۳۶۴ ش؛ محمدعلی حبیب‌آبادی، *مکارم الآثار در احوال رجال دو قرن ۱۳ و ۱۴ هجری*، ج ۳، اصفهان ۱۳۵۱ ش؛ محمد حرزالدین، *معارف الرجال فی تراجم العلماء و الادباء*، قم ۱۴۰۵؛ احمد حسینی، *تراجم الرجال*، قم ۱۴۱۴؛ علی خاقانی، *شعراء النجری*، نجف ۱۳۷۳/۱۹۵۲، چاپ افست قم ۱۴۰۸؛ کورکیس عزاد، *معجم المؤلفین العراقيین*، بغداد ۱۹۶۹؛ فضل‌الله نوری، *مجموعه‌ای از رسائل، اعلامیه‌ها، مکتوبات، ... و روزنامه شیخ شهید فضل‌الله نوری*، گردآورنده محمد ترکمان، تهران ۱۳۶۲-۱۳۶۳ ش؛ احمد کسروی، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران ۱۳۶۳ ش؛ خانباها مشار، *فهرست کتابهای چاپی عربی، تهران ۱۳۲۴ ش*؛ محمدبن علی ناظم‌الاسلام کرمانی، *تاریخ بیداری ایرانیان*، چاپ علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران ۱۳۷۶-۱۳۷۷ ش؛ محمدحسن نجفی نوچانی، *سیاحت شرق، یا، زندگینامه آقاجنئی قزقانی*، چاپ رهنماعلی شاکری، تهران ۱۳۶۲ ش.

/ فریده سعیدی /

تهرانی، حسنعلی، فقیه و عالم قرن چهاردهم. وی در تهران به دنیا آمد (امین، ج ۵، ص ۲۱۴). از تاریخ تولدش اطلاعی در دست نیست. او پس از آشنایی با مقدمات و سطوح، همراه‌استادش آخوندملاعلی دماوندی، و همدانش سیدعزیزالله تهرانی به نجف (آقابزرگ‌طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۳۷۹) و پس از چند سال به سامرا رفت و از شاگردان خاص میرزاحمدحسن مجددشیرازی (میرزای شیرازی) شد. تهرانی پس از نیل به درجه اجتهاد در زمان حیات میرزا، در حوزه به تدریس سطوح عالی پرداخت. همچنین تصدی امور مدرسه میرزای شیرازی را در سامرا، در زمان حیات وی، به عهده داشت (آقابزرگ‌طهرانی، ۱۴۰۴، ج ۱، قسم ۱، ص ۴۵۴-۴۵۵؛ همو، ۱۳۶۲ ش، ص ۱۳۱). تهرانی در ۱۳۱۴ از عتبات به تهران بازگشت اما ناسازگاری او با ارکان حکومت قاجار موجب شد که به مشهد برود (گلپایگانی، ص ۳۳۰). وی در مشهد به تدریس فقه و اصول پرداخت. در بحثهای او بسیاری از فضلا و مدرّسان حوزه مشهد حاضر می‌شدند (آقابزرگ‌طهرانی، ۱۴۰۴، ج ۱، قسم ۱، ص ۴۵۵). برخی از شاگردان وی این اشخاص بودند: سیدحسین موسوی معروف به ادیب بجنوردی، ملامحمدعلی فاضل خراسانی، میرزا علی‌اکبر نوغانی و سیدمحمدباقر رضوی (مدرس رضوی؛ ۱۲۷۰-۱۳۴۲) صاحب *شجره طیبه* که از وی اجازه روایت داشته است (مدرس، ص ۲۴۹، ۳۰۲، ۳۰۸؛ فاضل خراسانی، مقدمه آشتیانی، ص ۶۷؛ امین، ج ۹، ص ۱۸۵). تهرانی از مقبولیت عامه برخوردار بود و در کنار درس و

تهرانی در فقه و اصول و رجال آثار بسیاری بر جای گذاشت. گفته شده است که تمامی آنها به‌خط خود او نزد شاگردش، محمدتقی گرگانی، بوده است (آقابزرگ‌طهرانی، ۱۴۰۴، جزء ۱، قسم ۲، ص ۵۷۵). از جمله تألیفات او *ذریعة الوداد* است که شرحی است بر کتاب *نجاة العباد* محمدحسن نجفی و ظاهراً ناتمام مانده است (حرزالدین، ج ۱، ص ۲۸۰؛ آل‌محبوبه، ج ۲، ص ۲۲۷). این کتاب نخستین بار در بمبئی و سپس در ۱۳۱۲ در ایران چاپ سنگی شد و بارها در ایران به چاپ رسید (مشار، ستون ۳۹۳؛ عواد، ج ۱، ص ۳۴۳؛ آقابزرگ‌طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۰، حاشیه بر بعضی رسائل عملیه، کتابهای غضب، اجاره، رسالاتی در باب بیع و خیارات از دیگر تألیفات اوست (حرزالدین، ج ۱، ص ۲۸۰؛ آل‌محبوبه، ج ۲، ص ۲۲۷؛ آقابزرگ‌طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۹، ص ۵۹، ج ۲۲، ص ۲۷۳). برخی فتوهای تهرانی، همراه با فتوهای بعضی علمای دیگر، در کتاب *مجمع‌الرسائل* در ۱۳۳۱ در تهران چاپ شده است (آقابزرگ‌طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۲۰، ص ۳۰). همچنین تفریاتی از دروس او را شاگردانش نوشته‌اند (محسن امین، ج ۸، ص ۱۵۱؛ آقابزرگ‌طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۳۷۲). وی بر کتابهای بسیاری نیز تقریظ نوشته است (برای نمونه آقابزرگ‌طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۵، ص ۳۲۰، ج ۱۸، ص ۸۹، ج ۱۹، ص ۶۸).

تهرانی شش پسر داشت که همگی در علوم دینی تحصیل کردند (حرزالدین، ج ۱، ص ۲۸۲؛ آل‌محبوبه، ج ۲، ص ۲۲۸). معروفترین آنها، محمد، در نجف متولد شد و سطوح عالی فقه و اصول را نزد آخوند خراسانی و پدرش فراگرفت و از مشاهیر نجف گواهی اجتهاد دریافت کرد (خاقانی، ج ۱۰، ص ۴۵۳؛ آل‌محبوبه، ج ۲، ص ۲۴۵). محمد از کودکی شعر می‌سرود، بیشتر اشعار او در مدح و رثای اهل بیت علیهم‌السلام است. وی در برخی اشعارش مسلمانان را به بیداری فراخوانده است (خاقانی، ج ۱۰، ص ۴۵۴-۴۶۰، ۴۶۱-۴۶۲). در عین حال، اوقات زندگی را بیشتر به عبادت و ذکر و اعتکاف در حرم امیرمؤمنان علیه‌السلام سپری کرد (همان، ج ۱۰، ص ۴۵۳). او در ۱۳۵۵ در نجف وفات یافت و در مقبره پدرش دفن شد. از تألیفات اوست: *کتاب فی الطهارة*، *کتاب فی الخمس*، *قاموس غریب القرآن* و چند رساله فقهی (خاقانی، ج ۱۰، ص ۴۵۴؛ آقابزرگ‌طهرانی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۲۴۵، ج ۱۵، ص ۱۸۷، ج ۱۸، ص ۲۹۵، ج ۲۳، ص ۱۸).

منابع: محمدحسن آقابزرگ‌طهرانی، *الذریعة الی تصانیف الشیعة*، چاپ علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ همو، *طبقات اعلام الشیعة*، جزء ۱: *تقیة البشر فی القرن الرابع عشر*، مشهد ۱۴۰۴؛ جعفرین باقر آل‌محبوبه، *ماضی النجف و حاضرهما*،